

به گزارش روابط عمومی بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران، مهدی قرلی در حاشیه نمایشگاه کتاب جمهوری اسلامی ایران که به همت رابزنی کشور مان در کابل برگزار شد، در جمع ادیبان افغانستان با ابر از خرسندی از دیدار دوباره شاعران، نویسندگان و اندیشمندان کشور میزبان گفت: ما در جشنواره ها و جوایز ادبی ما به دنبال وحدت و همگرایی اهالی ادبیات و زبان فارسی به ویژه ایران و افغانستان هستیم و ما اهل اسلحه و سیاست نی داریم.

به بهانه تولد محمد علی بهمنی

دنبال همگرایی اهالی ادبیات

ایران و افغانستانیم



تا تو هستی و غزل هست دلم تنها نیست

گروه ادبیات و هنر - بیست و دومین «تولد ماه» به مناسبت

زادروز استاد محمد علی بهمنی، امروز با حضور جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان در موزه هنرهای دینی امام علی (ع) برگزار می‌شود. محمد علی بهمنی زادهٔ ۲۷ فروردین ۱۳۲۱ در ذوقل، شاعر و غزل سرای پیشکسوت ایرانی است. او در چاپخانه با زنده یاد «فریدون مشیری» که آن روز ها مسئول صفحه ادبی هفت‌تار جنگ مجله روشنفکر بود، آشنا شد و نخستین شعرش در سال ۱۳۳۰، یعنی زمانی که تنها ۹ سال داشت، در مجله روشنفکر به چاپ رسید. شعرهای وی از همان زمان تا کنون به‌طور پراکنده در بسیاری از نشریات کشور و مجموعه شعرهای مختلف و جنگ‌ها، انتشار یافته‌است و بسیاری بر این عقیده‌اند که غزل‌های او اومادر سبک و سیاق نیماست. او در قالب‌های مختلف از کلاسیک، نیماییم و سپید به‌سروند پرداخت اما وجه غالب شعرهای او، غزل است.

«بهمنی» را می‌توان از زمره ترانه‌سرایان موفق این روزگار دانست. او در سال ۱۳۷۸ موفق به دریافت تندیس خورشید مهر به‌عنوان برترین غزل‌سرای ایران شد.

سختن از غزل سرای معاصر است؛ شاعری آرام و متین که آثارش اعم از غزل و ترانه، اشعاری قابل توجه و مورد استقبال خاص و عام است. او در حالی در ۹ سالگی، نخستین شعر خود را در مطبوعات منتشر کرد که امروز، هفتاد و پنج سالگی خود را جشن می‌گیرد و این در حالی است که وی را باید یکی از مشهورترین غزل‌سرایان معاصر دانست؛ شخصیتی که در طول زندگی خود تلاش کرده است تا به فرهنگ عمومی مردم و البته آداب و رسوم و سنت‌های آن‌ها احترام بگذارد و اشعارش را از زبان خود آنان بسراید.

این شاعر بر چست در قالب های گوناگون شعری به سرایش پرداخته‌است که البته وجه غالب اشعار او، غزل است:

این جا برای از تو نوشتن هوا کم است
دنیابرای از تو نوشتن مرا کم است!
اکسیر من ائه اینکه مرا شعر تازه نیست
من از تو می‌نویسم و این کیمیا کم است
سرشارم از خیال؛ ولی این کفایت نیست
در شعر من حقیقت یک ماجرا کم است ...

وی در عین حال، ترانه‌های زیادی نیز سروده‌است:

بهار بهار
صداهمون صدابود
صدای شاخه‌ها و ریشه‌ها بود ...

<div></div>	<div>سید رضا محمدی</div>
	
صدا ز کالبد تن یسه در کشید مرا صدا به شکل زنی شد به بر کشید مرا صدا شد اسب ستم روح من کشان ز بیّ ش به خاک بست و به کوهو کمر کشید مرا بگو کدامین نقاش ناموافق بسود که با دو دیده‌ی همواره تر کشید مرا چه بیم داشت که از ابتدای خلقت من غریب و کج قلق و در به در کشید مرا دو نیمه کرد مرا پس‌تورا کشید از من پس از کنار توست سویی تر کشید مرا میان ما دری از مرگ کرد نقاشی به میخ کوفته‌ی در پشت در کشید مرا خوشش نیامد این نقش را بهم ز دو بعد دگر کشید تورا و دگر کشید مرا مهر، کنسرت «کوبر» روز هفتم اردیبهشت در شیراز، روز هفدهم اردیبهشت در بیرجند، روز بیست و دوم اردیبهشت در کرمان و روز بیست و سوم اردیبهشت در رفسنجان برگزار می‌شود. این در حالی است که محمد معتمدی روز های دهم و بیستم اردیبهشت نیز در تهران میزبان علاقه‌مندان موسیقی ایرانی است. در این اجرا که به نوعی تمدید کنسرت «کوبر» این خواننده و گروهش در هفته‌های پایانی سال گذشته است، قطعات منتخب محمد معتمدی به آهنگسازی تعدادی از بزرگان موسیقی کشور که طی دوران فعالیت این هنرمند با استقبال مخاطبان رو به‌رو شده در وی بخش اجرا خواهد شد.	<div></div>

<div></div>	<div>عباس علی زاده</div>
	
یک صبح سکوت کردم یک روز نگاه این اعداد بیمار را از یک تاده به‌زبان آوردم دانه دانه معنی کردم او وقت تو خواوبدی وزمان به‌تکه‌های کوچکی تبدیل شد درون دهان کشیده می‌شدند باید تا مدام اکت درده پیچیده در ستون خانه در تو بیچشم و از شکستگی هایت بیرون بیایم دردی شوم درون دردی دیگر سنگی شوم پیش پای سنگی دیگر که راه رفتن را بسته بود باز کردم گه در خت را صدای خودم بودم بیرون از سینه دختر ی که آواز می‌شد برای رمه‌ای خوابیده در علفزار اومی خواند و دشت در خودش می‌چرخید اومی خواند علف‌ها پای از زمین بر می‌داشتند اومی خواند چادری در کمرش بسته یک صبح سکوت کردم ویک‌روز نگاه تکه سنگی هستم دانای خاموش	

<div></div>	<div>ناگهان شعر</div>
	

<div></div>	<div>امروز باشاعران افغانستان</div>
	

محمد کاظم کاظمی

<div>گُل می کند شکوفه و لیخند از درخت آیات بی‌شمار خداوند از درخت خورشیدی بی‌ملاحظه بر می‌کند به‌زور شال سفید بهمین و اسفند از درخت اردیبهشت می‌رسد و تاب می‌خورد گیلاس‌ها به‌سان گلوبند از درخت شاید که این جماعت بی‌بار و بر، کمی در خویش بنگردند و بشر مند(۱) از درخت یک‌ماه بعد، نوبت این میوه‌دزد دهاست بالا آمدن دوباره به‌همه‌فقدن از درخت آنان که بعد غارت سنگین برگ و بار پرسیده‌اند «چوب شما چند؟» از درخت آه‌ای درخت! میوه نیاری به‌غیر سنگ ای شاخه! یشکنی که بیفتند از درخت بسیار مادران که دند نگرند نویری یک سببِ کخ(۲) برای دو فرزند از درخت من فکر می‌کنم که فقط حقِ کودک است آلایمیوه‌ای که این همه‌کندن از درخت کودک را سه‌سال‌ها که از آن بی‌نصیب ماند امسال رفت و سنگ زدو کند از درخت</div>
<div>مهر ۱۳۷۷</div>

- ↑ شیرمند: خجالت بکشند. (از مصد شیرمیدن)
- ↑ کخ: کال، نارس، در خراسان ایران بدان «کخ» می‌گویند.

<div></div>	<div>زهر ا حسین زاده</div>
	
کاش خطی شوی از بلخ به مشهد بر سی قبل از آن که به تنم مرگ بیاید بر سی از تماشای خودت حوصله ات سر برود موج دیوانه شوی تا لبه ی سد بر سی خواب دیدم تو مرا می‌گذرانی از پل عشق یاریک تر از موست تو باید بر سی زلف آوارگی اهراب رخ بباد کشید حیف دیدی که به این دختر ک بد بر سی؟ آب و جارو چه کنم خانه کم آوردتورا سر من برف نشاندی گل بی‌رد بر سی؟	

<div></div>	<div>سید رضا محمدی</div>
	
صدا ز کالبد تن یسه در کشید مرا صدا به شکل زنی شد به بر کشید مرا صدا شد اسب ستم روح من کشان ز بیّ ش به خاک بست و به کوهو کمر کشید مرا بگو کدامین نقاش ناموافق بسود که با دو دیده‌ی همواره تر کشید مرا چه بیم داشت که از ابتدای خلقت من غریب و کج قلق و در به در کشید مرا دو نیمه کرد مرا پس‌تورا کشید از من پس از کنار توست سویی تر کشید مرا میان ما دری از مرگ کرد نقاشی به میخ کوفته‌ی در پشت در کشید مرا خوشش نیامد این نقش را بهم ز دو بعد دگر کشید تورا و دگر کشید مرا مهر، کنسرت «کوبر» روز هفتم اردیبهشت در شیراز، روز هفدهم اردیبهشت در بیرجند، روز بیست و دوم اردیبهشت در کرمان و روز بیست و سوم اردیبهشت در رفسنجان برگزار می‌شود. این در حالی است که محمد معتمدی روز های دهم و بیستم اردیبهشت نیز در تهران میزبان علاقه‌مندان موسیقی ایرانی است. در این اجرا که به نوعی تمدید کنسرت «کوبر» این خواننده و گروهش در هفته‌های پایانی سال گذشته است، قطعات منتخب محمد معتمدی به آهنگسازی تعدادی از بزرگان موسیقی کشور که طی دوران فعالیت این هنرمند با استقبال مخاطبان رو به‌رو شده در وی بخش اجرا خواهد شد.	<div></div>

<div></div>	<div>عباس علی زاده</div>
	
یک صبح سکوت کردم یک روز نگاه این اعداد بیمار را از یک تاده به‌زبان آوردم دانه دانه معنی کردم او وقت تو خواوبدی وزمان به‌تکه‌های کوچکی تبدیل شد درون دهان کشیده می‌شدند باید تا مدام اکت درده پیچیده در ستون خانه در تو بیچشم و از شکستگی هایت بیرون بیایم دردی شوم درون دردی دیگر سنگی شوم پیش پای سنگی دیگر که راه رفتن را بسته بود باز کردم گه در خت را صدای خودم بودم بیرون از سینه دختر ی که آواز می‌شد برای رمه‌ای خوابیده در علفزار اومی خواند و دشت در خودش می‌چرخید اومی خواند علف‌ها پای از زمین بر می‌داشتند اومی خواند چادری در کمرش بسته یک صبح سکوت کردم ویک‌روز نگاه تکه سنگی هستم دانای خاموش	

به گزارش روابط عمومی بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران، مهدی قرلی در حاشیه نمایشگاه کتاب جمهوری اسلامی ایران که به همت رابزنی کشور مان در کابل برگزار شد، در جمع ادیبان افغانستان با ابر از خرسندی از دیدار دوباره شاعران، نویسندگان و اندیشمندان کشور میزبان گفت: ما در جشنواره ها و جوایز ادبی ما به دنبال وحدت و همگرایی اهالی ادبیات و زبان فارسی به ویژه ایران و افغانستان هستیم و ما اهل اسلحه و سیاست نی نداریم.

<div></div>	<div>گزارش جلسات ادبی</div>
	

<div></div>	<div>گزارشی از جلسه شعر حوزه هنری خراسان رضوی یکی از موثرترین جلسات شعر استان</div>
	

گروه ادبیات و هنر - جلسه شعر حوزه هنری خراسان رضوی، یکی از قدیمی‌ترین جلسات شعر این استان است. این جلسات همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس حوزه هنری با مدیریت مصطفی محدثی خراسانی فعالیت خود را آغاز کرد و بعد از مدتی مدیریت جلسات به مجید نفاقت و سپس شهید احمد زارعی واگذار شد و در حال حاضر جلسه در روزهای یکشنبه هر هفته در محل حوزه هنری با مدیریت قاسم رفیعا برگزار می‌شود.

قاسم رفیعا، مسئول دفتر شعر و طنز حوزه هنری خراسان رضوی، در ابتدای اولین جلسه شعر هفتگی حوزه هنری خراسان در سال جدید گفت: جلسات حوزه هنری را می‌توان جزو موثرترین جلسات شعر استان نامید، جلسه‌ای که تا امروز شاعران صاحب‌نام زیادی را به جامعه ادبی معرفی کرده‌است. شاعرانی که هر کدام به نوعی در ایجاد جریان‌های بزرگ ادبی در کشور تاثیر گذار بوده‌اند و به عنوان چهره‌های شاخص ادبیات فارسی می‌توان از آنها نام برد. از فعالیت‌های حوزه هنری خراسان در بخش شعر می‌توان به برگزاری جلسات نقد کتاب‌های شعر تازه منتشر شده در قیقا، در همه‌جا یکی از حضور شاعر کتاب و منتقدان اشاره کرد. علاوه بر جلسات ماهانه شعر، حوزه هنری خراسان در مدت فعالیت خود بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب از آثار شاعران استان منتشر کرده‌است و از آخرین آثار چاپ شده حوزه هنری خراسان می‌توان به چاپ دو مجموعه شعر از آثار شاعران خراسان به‌صورت گروهی با نام‌های سرزمین شعر یک و سرزمین شعر دو اشاره کرد که مجموعه‌ای از اشعار کلاسیک و سپید است. گردآوری این دو مجموعه بر عهده بنده و محمد بهبودی نیا بوده‌است و کتاب دیگری به نام «فردا برای می‌شویم» نیز در سال گذشته به کوشش مهدی آخرتی گردآوری شد که حوزه هنری چاپ کرد. بعد از ارائه گزارش فعالیت‌های حوزه هنری خراسان توسط قاسم رفیعا، در ادامه جلسه یکی از شاعران جوان به قرائت چند ترانه پرداخت. علیرضا همتی به عنوان اولین منتقد گفت: یکی از اشکالاتی که در آثار برخی از ترانه‌سرایان وجود دارد این است که همه نوع به هم ریختگی وزنی در ترانه را به‌سروند آن ترانه روی می‌نویسند و دهنند اما باید توجه کرد که تغییر وزن در ترانه حتی اگر روی ملودی نوشته شده باشد تا حدودی قابل دفاع است و بیشتر از آن حدود ترانه را با اشکالات جدی روبه‌رو می‌کند و همین موضوع باعث بی‌رغبتی مخاطبان حرفه‌ای به خوانش این آثار می‌شود. ما به عنوان شاعر باید به این نکته توجه داشته باشیم که شعر و موسیقی باید هر دو به‌صورت مساوی در خدمت هنر باشند نه اینکه یکی از این دو افرایانی دیگری کنیم. منتقد بعدی مهدی آخرتی بود که نظرات خود را درباره ترانه‌این گونه بیان کرد: در ترانه باید به‌موضوع تخیل توجه داشت و لی بعضی از ترانه‌سرایان از این موضوع غافل مانده‌اند به طوری که اثری که به عنوان ترانه سروده‌اند، به حرفی موزون تبدیل شده‌است؛ بدون شک حرف‌های ساده‌ای را که بدون اندیشه و تخیل و تنها به صورت وزن دار نوشته شده‌است نمی‌توان ترانه به‌شمار آورد. باید توجه کرد که تولید اثر به این شکل باعث کاهش اعتبار ترانه در بین مخاطبان حرفه‌ای می‌شود. در ادامه تکی یکی دیگر از شاعران حاضر در جلسه به خوانش شعری با لحن جنوب‌خراسانی پرداخت. پس از شعر خوانی وی، قاسم رفیعا ضمن اشاره به اهمیت و لزوم جدی گرفتن شعر با لحن گفت: در خراسان از گذشته‌های دور تا امروز شاعران بزرگی شعرهایی با لحن جنوب‌خراسانی سروده‌اند شاعرانی از قبیل ملک الشعرای بهار، میر خدیوی یوسف ازغدی، استاد محمد قهرمان، عماد خراسانی و... و وقتی آثار این شاعران را مرور می‌کنیم، به اشعاری دارای رنگ و بوی بومی برخورد می‌کنیم. اشعاری که با سنجگری های شاعر تولید شده و به محض خوانش ذهن مخاطب را به‌شدت در گیر می‌کند. ایمان بخشایشی از دیگر شاعران جوان مشهد نیز در ادامه گفت: شاعرانی که امروز به‌سروند شعر محلی می‌پردازند، رسالت مهم‌تری نسبت به گذشته بر دوش می‌کشندو باید با جدیت و دقت قابل توجهی در این عرصه‌گام بردارند زیرا چه لحن جنوب‌خراسانی و چه دیگر لحنه‌ها هر دو به‌نظر از کشور دارای فریت‌های زیادی از نظر زیبایی شناسی در کلام است که با خلق یک اثر قابل توجه می‌توان آنها را از خطر نابودی نجات داد؛ اما گراما دقت در مورد لحنه هر نقطه از خراسان مطالعه کنیم، خواهیم دید که هر کدام از کلمات، ریشه در گفتار باستانی ما دارد و شاعران باید این آثار را نقد و باستانی را حفظ کنند و به‌دست آیند گران برسانند.

در پایان شاعران به شعر خوانی پرداختند. جلسات شعر حوزه هنری خراسان رضوی یکشنبه هر هفته در ساعت ۱۷ در محل حوزه هنری خراسان رضوی واقع در شاهشیم ۲۰ و ۲۲ برگزار می‌شود.

<div></div>	<div>انجمن شعر معاصر مشهد تشکیل می‌شود</div>
	
رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد مقدس از تشکیل انجمن شعر معاصر مشهد با حضور شاعران و فعالان ادبی از اردیبهشت خبر داد و مشارکت شاعران، منتقدان و صاحب‌نظران و فرهنگ‌شدن محل و محفلی برای ارائه اشعار شاعران، بران، نقد آثار، تبادل نظر و ایجاد اهداف مشترک را از اهداف تشکیل این انجمن برشمرد. دبیری افزود: شاعران بسیاری از سطوح مختلف، ایجاد باتوق و جلسه، سعی ادبی برای مشهد را ضروری می‌دانند که با تشکیل انجمن شعر معاصر مشهد و ایجاد یک کانون هم اندیشی دائمی برای رفع نیازها و همچنین ارائه آموزش‌های ادبی و حضور فرهیختگان و دبیری تصریح کرد: در سال جاری برگزاری جلسات و کارگاه‌های نقد کتاب، تقد و بررسی گفته‌است، نقد دیدگاه‌های ادبی و... در دستور کار قرار گرفته‌است که با مشارکت موسسات فعال در این زمینه برگزار می‌شود.	

<div></div>	<div>آکهی مناقصه عمومی شماره مناقصه ۱۵۲۷</div>
<div>موضوع: تامین نیروی انسانی شهرداری</div>	
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس	
http://lets.mashhad.ir	
به آدرس	
روابط عمومی و این سال شهرداری مشهد	
۱۳۹۶/۰۴/۰۸	

ادبیات و هنر

دنبال همگرایی اهالی ادبیات

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم

ایران و افغانستانیم



سرودن و... یکی دو هفته خیلی تمرین می‌کردم، دیدم نمی‌توانم شعری بگویم. گاهی دو بینی‌هایی می‌گفتم که مردم می‌کردم برای آشناست و جزو ابیاتی است که خوانده‌ام و در ذهنم مانده‌است، خجالت می‌کشیدم آنها را برای آقای مشیری ببرم.

فکر می‌کردم شاعران باید یک انگشت کنار چشم و انگشتان دیگر کنار صورت بگذارند تا شعر بگویند، عکس‌های شاعران را همواره این گونه می‌دیدم. گفتم حتماً من هم باید این کارها را بکنم تا بتوانم شعر بسرایم، این ژست‌ها را می‌گرفتم ولی باز نمی‌توانستم شعر بگویم (با خنده). مشیری پرسید: بهمنی شعر گفتی؟ گفتم: خیلی سعی کردم نشد؛ گفت: شعر را باید برای فردی بگویی که خیلی او را دوست داری، اگر به آن فرد فکر کنی می‌توانی شعر بسرایی.

آن موقع هم اوج دوست داشتن من به مادر بود، این گونه بود که گفتم شعری برای مادرم بگویم. در زمان کودکی فکر می‌کردم باید شعری بگویم که در شأن مادر باشد، دنبال واژه‌های سنگین، درشت، دهن پرکن بودم. در میان مجلات، شعری ساختم: «ای واژه بگر جوادانه! ای شعر موشخ زمانه»، موشخ یعنی امضاشده، آن زمان وقتی می‌خواستند بگویند مطلبی را امضا کنید می‌گفتند نامه‌را موشخ کنید، از این لحن خوشم آمد، اما شاید اگر امروز بود می‌سرودم؛ «ای شعر همیشه زمانه»؛ این شعر را سرودم و

<div></div>	<div>موسیقی</div>
	
<div></div>	<div>تبدیل شاهکار «جیمز جویس» به قطعه موسیقی</div>
	
رمان «بیداری فینگان‌ها»، نوشته «جیمز جویس»، با همکاری ۱۰۰ هنرمند به قطعه‌ای موسیقی تبدیل می‌شود. به گزارش اسپنا، «جمندز» نوشت: همزمان با انتشار نسخه صوتی کتاب «بیداری فینگان‌ها» شاهکار ادبی «جیمز جویس»، قطعه موسیقی که براساس این کتاب نواخته شده‌است، روانه بازار می‌شود. برای خلق این قطعه موسیقی، ۱۰۰ هنرمند از جمله «تیم کاربن» از گروه «زمین راه‌آهن» و «لوروگای» از «لوپیس و کلارک» همکاری داشته‌اند. این قطعه هشت دقیقه‌ای روز چهارم می‌همراه بانسخه کامل صوتی این رمان منتشر خواهد شد. «بیداری فینگان‌ها» بیشتر دوبار دیگر در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ مورد اقتباس موسیقایی قرار گرفته بود. «بیداری فینگان‌ها» دشوارترین اثر «جیمز جویس» نویسنده سرشناس ایرلندی است که نگارش آن ۱۷ سال طول کشیده‌است.	

<div></div>	<div>مخالفت انجمن مجموعه داران با «سفر بی‌بازگشت» گنجینه</div>
	
رئیس انجمن مجموعه داران تاکید کرد: به عنوان رئیس انجمن اعلام می‌کنم که ما مخالف ارسال این آثار به خارج از کشور هستیم؛ چرا که آسیب دیدگی این آثار حتی با بیمه جبران پذیر نیست. این آثار نباید از کشور خارج شود بلکه باید به‌دگر جذب گز دشگر هنری باشیم.	
منوچهر لطفی، رئیس انجمن مجموعه داران ایران در گفت و گو با باشگاه خبرنگاران پویا، درباره ارسال آثار گنجینه موزه هنرهای معاصر که ممکن است برای نمایش به موزه‌هایی در برلین و بروم، عنوان کرد: به مسئولان توصیه می‌کنم خودشان را به‌زحمت نیندازند و به جای این که دنبال جابه جایی این آثار گرنه آنها باشند؛ زمینه لازم را برای حضور گردشگر در ایران فراهم کنند تا اگر دشگرهای هنری به ایران بیایند و این آثار ارزشمند از کشور خارج نشود که در این زمینه نگرانی‌های زیادی وجود دارد.	
وی افزود: این کار یک همت واقعی می‌خواهد تا آثار ارزشمند گنجینه به دست خارجی‌های سودجو نرسد و فقط گردشگر واقعی حق مشاهده آن را در خاک سرزمینمان داشته باشد.	
برای شعر خوانی پشت تربیون حاضر شد و غزلی عاشقانه تقدیم جمع کرد: و عشق باغچه‌ای بود در حوالی ما که می‌رسید به اونست زلالی ما اگر چه روزه گرفتیم باز بان سکوت سکوت کرد جهان در جواب لالی ما ...	
محمد مهدی باقری از شهر یزد، غزلی در وصف بهار خواند: سلامی گرم از شور نی آورده فروردین سلامی به پای سوز دی آورده فروردین کویر یزد را تا سیستان یکدست می‌بارد بهارش را برای ملک ری آورده فروردین ...	
میلاد عرفان‌پور که اجرای این مراسم را بر عهده داشت، از	

بردار

پایگاه تخصصی نقد می‌شود

در ۷۹ سالگی

تولد شد. دوره
ند. سپس عازم
برداشت. بعد از
و فیزیک اتمی

و بوجه به کار
های ریاضی در

نامه به عنوان
عه شناسی هنر
یی رنگ پریده،
پرسیده است.

گردان‌ها

پایگاه تخصصی نقد شعر روز جمعه (نخستین جشنواره انجمن‌های ادبی) نقل از روابط عمومی بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران. naghdsher.ir نقد شعر و هدایت فنی شاعران جوان ایجاد شرایط یکسان و برابری نقد و بررسی و همچنین بهره‌گیری از نفوذ دنیای مجازی به منظور ایجاد فضایی مفید در میان نسل جوان ایجاد شده است. طلی آن، شاعران جوان و تازه‌کار، شعر و شاعری بسپارند. از جمله استادان، پیشکسوتان و منتقدان شعری که و همچنین بهره‌گیری از نفوذ دنیای مجازی به منظور ایجاد فضایی مفید در میان نسل جوان ایجاد شده است. این پایگاه، بستری را فراهم می‌کند تا طلی آن، شاعران جوان و تازه‌کار، شعر و شاعری بسپارند. از جمله استادان، پیشکسوتان و منتقدان شعری که در این پایگاه تخصصی به نقد شعرهای دریافتی اقدام خواهند کرد، می‌توان از اسماعیل امینی، عبدالجبار کاکایی، محمد کاظم کاظمی، حمیدرضا شکرسری، ابراهیم اسماعیلی‌اراضی، سیداکبر میرجعفری، سعید بیابانگی، فریبا یوسفی و... نام برد.

نام این شعرز شور و توشان می‌گیرد
این چه شوری است در این گوشه تاب عابس با شوق
سمت صحرای جنون حاتم در آن می‌گیرد...
حبیب فتیحی، از شهر ستانه لا مراد دیگر شاعری بود که
بشیرت تربیون حاضر شد و غزلی عاشقانه خواند:
با چشم‌های بی‌بدل، علی‌علی خیر العمل
...! اکبرای صمب،...! اکبرای غزل...
دیگر شاعران این عصر شعر، محمدحسین رحیمی از
شهرستان مشهد بود که غزل آیینی را تقدیم به امام
حسین (ع) کرد:

ای روح پاک تو شده از ماسوا جدا
از خود جدا شدی، نشدی از خدا جدا...
محمد صفری اقدام از شهر ارومیه، شاعر دیگری بود که

نام این شعرز شور و توشان می‌گیرد
این چه شوری است در این گوشه تاب عابس با شوق
سمت صحرای جنون حاتم در آن می‌گیرد...
حبیب فتیحی، از شهر ستانه لا مراد دیگر شاعری بود که
بشیرت تربیون حاضر شد و غزلی عاشقانه خواند:
با چشم‌های بی‌بدل، علی‌علی خیر العمل
...! اکبرای صمب،...! اکبرای غزل...
دیگر شاعران این عصر شعر، محمدحسین رحیمی از
شهرستان مشهد بود که غزل آیینی را تقدیم به امام
حسین (ع) کرد:
ای روح پاک تو شده از ماسوا جدا
از خود جدا شدی، نشدی از خدا جدا...
محمد صفری اقدام از شهر ارومیه، شاعر دیگری بود که